

بررسی تاثیر آموزش های دانشگاهی در پرورش ویژگی های کار آفرینی دانشجویان
A survey of the impact of tertiary education on the development of the spirit of
entrepreneurship

دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۲/۱۸؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۷/۵/۲۹؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۲۶

Ebrahim Salehi Omran(Ph.D)*

Farkondeh Rostami(M.A)**

ابراهیم صالحی عمران*

فرخنده رستمی**

Abstract:The main purpose of this survey is that how much the tertiary education has developed the spirit of entrepreneurship in the students of Mazandaran University. For this purpose, 335 M.A students were randomly and with respect to gender and faculty selected as participants. The required data were gathered through questionnaire and then analyzed through descriptive and inferential statistics. The results indicate that educational programs of university have contributed nothing to the development of entrepreneurship spirit in students. In the case of comparing the functions of educational programs in different faculties, the results of variance analysis show that no faculty has acted better or worse than the other faculties in the development of entrepreneurship spirit; and there has been no significant difference in the degree of entrepreneurship spirit of students in the 14 case faculties; also in the case of comparing the mean of entrepreneurship spirit in male and female students, the T-test result shows no significant relationship between gender and spirit of entrepreneurship.

چکیده: آموزش های دانشگاهی باید بتواند با ارائه برنامه های آموزشی مناسب در بروز ویژگیهای مانند استقلال طلبی، ریسک پذیری، خلاقیت، خود باوری و آینده نگری در دانشجویان موثر باشند و تواناییهای بالقوه دانشجویان را شناسایی کند و این توانایی را بین آن ها ایجاد کند که دانش آموختگان به جای جستجوی کار خودشان به عنوان نیروی مولد علاوه بر ایجاد کسب و کار برای خود برای دیگران نیز کار ایجاد کنند. بنابراین هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی آموزش های دانشگاهی در پرورش ویژگی های کارآفرینی دانشجویان می باشد. برای نیل به این هدف نمونه آماری به حجم ۳۳۵ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی سال تحصیلی ۸۲ دانشگاه مازندران به روش نمونه گیری طبقه ای-تصادفی به تفکیک دانشکده و جنسیت انتخاب شدند. سپس با استفاده از پرسشنامه داده های مورد نیاز این تحقیق جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده ها بیانگر آن است که برنامه های آموزشی دانشگاه زمینه مناسبی در پرورش ویژگی های کارآفرینی دانشجویان فراهم نکرده است. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه عملکرد برنامه های آموزشی در دانشکده های مختلف نشان داد که هیچکدام از دانشکده ها عملکرد بهتر یا بدتری نسبت به سایر دانشکده ها در پرورش روحیه کارآفرینی نداشته است و میزان برخورداری دانشجویان از روحیه کارآفرینی در ۱۴ دانشکده مورد مطالعه تفاوت معناداری با هم نداشته است. همچنین نتایج آزمون تی تست برای مقایسه میانگین روحیه کارآفرینی زنان دانشجو و مردان دانشجو نشان داد که بین جنسیت و روحیه کارآفرینی رابطه معناداری وجود نداشته است.

Key Words: higher education, Entrepreneurship student

کلید واژه ها: آموزش عالی، کار آفرینی، دانشجو

Faculty Member of Mazandaran University edpes60@hotmail.com

*عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران
**دانشجوی کارشناسی ارشد

مقدمه و بیان مسئله

عصر جدید، عرصه رقابت بر سر منابع و سرمایه هاست، کشورهای بزرگ صنعتی که فاتحان این عرصه اند بهره وری از منابع و سرمایه ها را در سرفلوحه کار خود قرار داده اند و در پرتو وجود افراد تحصیل کرده و متخصص، چرخ های رشد و توسعه را به حرکت در آورده اند و به ابداعات و نوآوری هایی دست یافته اند. دسترسی به این نوآوری ها که اقتصاد کشورهای توسعه یافته را از نو زنده کرده است منوط به کار آفرینی است. در این راستا شان (۲۰۰۳) کار آفرینی را به این دلیل که جامعه را به سمت تغییرات تکنیکی و مبتکرانه سوق داده و باعث رشد اقتصادی می شود و همچنین چون کار آفرینی دانش جدید را به خدمات و محصولات جدید تبدیل می کند حایز اهمیت می داند. سالازار (۱۳۸۳) نیز بر این اعتقاد است که کار آفرینی علاوه بر ایجاد اشتغال، موجب بالا رفتن کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد، کاهش اضطراب های اجتماعی و بهره وری از منابع ملی می شود. کار آفرینی پدیده فنی- اقتصادی جدیدی است که در دو دهه اخیر جهان اقتصاد و صنعت را با پیامدهای شگفت خود متحول ساخته است. کار آفرینی در رشد اقتصادی کشور هایی که با وضعیت نا هنجار بیکاری، کمبود تولید ناخالص داخلی، کاهش قدرت سرمایه گذاری دولت، ضعف در صادرات غیر نفتی و بیماریهایی از این قبیل شده اند می تواند راه حل خوبی برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی نیز قلمداد شود.

کار آفرینی از عمق نظریه های اقتصادی تبلور یافت و از قرن نوزدهم تا دهه شصت از قرن حاضر تنها اندیشمندان اقتصادی به آن می پرداختند (احمدپور و رضائیان، ۱۳۷۷). اقتصاددانان شرایط اقتصادی را موجب کار آفرینی می دانند، طبق نظر آنها کار آفرینان ویژگی های خاصی داشته و کار کردها و فعالیت های مناسبی به آنها نسبت داده می شود. از نظر اقتصاددانان کار آفرین کسی است که منابع، نیروی کار، مواد و سایر دارایی ها را با هم ترکیب می کند تا ارزش آنها را نسبت به قبل بیشتر نماید (هیستریچ، ۱۹۹۸).

روانشناسان با هدف ارائه نظریه هایی مبتنی بر ویژگی های شخصیتی و همچنین با تفاوت قائل شدن بین کار آفرینان، مدیران و غیر کار آفرینان به بررسی ویژگی های روانشناختی کار آفرینان پرداختند. مکتب روانشناختی بر عوامل شخصیتی تمرکز دارد و معتقد است که کار آفرینان ارزشها و نگرشهای ویژه ای دارند که آنها را به کار و زندگی سوق می دهد بر اساس این مکتب کار آفرینان را می توان بوسیله ویژگی های شخصیتی از غیر کار آفرینان تشخیص داد. روانشناسان معتقد هستند برخی ارزشها و نیازها شرط لازم برای کار آفرینی هستند. این ارزشها در اوایل زندگی فرد آموخته و در اوایل بزرگسالی تثبیت می شوند، ویژگیهایی که بیشتر به آنها توجه شده است عبارتند از: نیاز به پیشرفت، مرکز کنترل درونی، استقلال طلبی، و خود مختاری، تمایل به پذیرش مخاطره های معتدل و قدرت تحمل ابهام بالا (عابدی، ۱۳۸۱). عدم توانایی روانشناسان در ارائه مدلی جامع برای تفکیک کار آفرینان از غیر کار آفرینان و همچنین نبودن معیار معینی برای ارزیابی ویژگی ها در افراد سبب شد تا جامعه شناسان دیدگاههای جدیدی را نسبت به کار آفرینی ارائه کنند.

نظریه های اجتماعی در مورد کار آفرینی به ابعاد مختلفی از ویژگی های کار آفرینان توجه داشته اند و عمدتاً به شناسایی الگوهای رفتاری پرداخته اند. آنان با استفاده از رویکردهای رفتاری کار آفرینی را همچون فرایندی معرفی نمودند که سرانجام به ایجاد شرکت های جدید می انجامد، از جمله مهم ترین عوامل مورد بررسی در رویکرد رفتاری می توان به سوابق و تجربیات فردی و همچنین تاثیر محیط و فرهنگ در اقدام افراد به کار آفرینی اشاره کرد (امیت، ۱۹۹۳ به نقل از گلر، ۱۳۸۴).

در اواخر دهه هشتاد میلادی نویسندگان علوم مدیریت نیز، کار آفرینی را مورد توجه قرار دادند و علی رغم مدت کوتاهی که صرف موضوعات کار آفرینی در مدیریت شده نتایج گسترده ای بدست آمده است. مکتب مدیریت معتقد است کار آفرین "شخصی است که راه اندازی یک کسب و کار را سازماندهی یا اداره کند و ریسک را به خاطر سود بپذیرد" (وبستر، ۱۹۹۶).

اما سوال اساسی این است که کار آفرینی چگونه در منابع انسانی ایجاد میشود؟ در پاسخ به این سوال همانطوریکه سالازار (۱۳۸۱) یاد آوری نمود کار آفرینی می تواند در نتیجه برنامه های آموزشی، پرورش یابد. نظریه پردازان علم مدیریت که بعد فنی کار آفرینی را بررسی می کنند بر این اعتقاد هستند که کار آفرینان می توانند در کلاس درس آموزش ببینند و بالنده شوند (عابدی، ۱۳۸۱). بنابراین کار آفرینی امروزه به یکی از مهم ترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاهها تبدیل شده است (احمدپور، ۱۳۷۹). دانشگاهها ملزم هستند برای ترقی و ترویج آموزش کار آفرینی بیندیشند، چون نسل جوان نیاز دارد که بدانند چطور در برابر محیط های نا امن و پیچیده و قوانین و مقررات متغیر در بازار کار بطور انعطاف پذیر عمل کنند. ساختار نظام آموزشی باید طوری تنظیم گردد که فارغ التحصیلان بتوانند در آینده بصورت کار آفرین در جامعه فعالیت کنند (اوسمان، ۱۹۹۸). آموزش عالی باید بتواند با ارائه برنامه های آموزشی مناسب در بروز ویژگیهای مانند استقلال طلبی، ریسک پذیری، خلاقیت، خود باوری و آینده نگری در دانشجویان موثر باشند و تواناییهای بالقوه دانشجویان را شناسایی کند و این توانایی را بین آنها ایجاد کند که دانش آموختگان به جای جستجوی کار خودشان

به عنوان نیروی مولد علاوه بر ایجاد کسب و کار برای خود برای دیگران نیز کار ایجاد کنند. بنابراین سوال اساسی تحقیق حاضر این است که آیا از دیدگاه دانشجویان برنامه های آموزشی دانشگاه در پرورش و ویژگی ها و روحیهی کارآفرینی موفق بوده است؟

پیشینه تحقیق

با وجود آنکه نقش کارآفرینان در رشد اقتصادی - اجتماعی و اشتغال زایی انکار ناپذیر است ولی شواهد موجود بیانگر آن است که در کشور ما برنامه های آموزشی موجود در آموزش عالی در جهت پرورش ویژگی های کارآفرینی دانشجویان تدوین نشده است. در تحقیقی که عزیزی در سال ۱۳۸۲ بر روی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی انجام داده، به این نتیجه رسیده است که زمینه بروز و پرورش کارآفرینی برای دانشجویان فراهم نشده است. بدری نیز در تحقیقی که در سال ۱۳۸۴ با هدف تعیین قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام داد به این نتیجه رسیده است که اگر چه قابلیت های کارآفرینی در زمینه های استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت در دانشجویان بالاتر از میانگین است ولی آموزش های دانشگاهی در پرورش ویژگی های دانشجویان موثر نبوده است، همچنین بین قابلیت های کارآفرینی دانشجویان مراجعه کننده به مرکز کارآفرینی و سایر دانشجویان تفاوت معناداری مشاهده نشده است. احمدی (۱۳۸۵) نیز در پژوهشی که تحت عنوان نیاز سنجی آموزش کارآفرینی در بین دانشجویان دوره کارشناسی مهندسی برق دانشگاه تهران انجام داده است به این نتیجه رسیده است که برنامه های درسی دوره کارشناسی مهندسی برق دانشگاه تهران نتوانسته دانش و مهارت های مورد نیاز در زمینه کارآفرینی را در دانشجویان پرورش دهد و فارغ التحصیلان حتی آنها که روحیهی کارآفرینی بالایی دارند پس از اتمام تحصیلات آماده ایجاد یک کسب و کار برای خود نمی باشند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که دانش و مهارت های کارآفرینی مورد نیاز دانشجویان در چهار زمینه شامل: ایجاد انگیزه و تمایل برای ایجاد کسب و کار، دانش و مهارت امکان سنجی کسب و کار، توانایی ایجاد کسب و کار و ارزیابی وضعیت موجود و برنامه ریزی برای توسعه کسب و کار جدید می باشد.

رشد روحیهی کارآفرینی فرایندی پرورشی است در تایید این ادعا یافته های تجربی نیز در دست می باشد در مطالعه ای که راشیدی^۴ (۲۰۰۰) در زمینه نقش آموزش بر افزایش نگرش و خصوصیات کارآفرینانه انجام داد به این نتیجه رسید که افرادی که تحت آموزش کارآفرینی قرار گرفتند نمرات بیشتری در انگیزه پیشرفت، مرکز کنترل درونی، عزت نفس و خلاقیت به بدست آوردند. هزار جریبی (۱۳۸۲) نیز در تحقیق خود به رابطه بین کارآفرینی و آموزش دوره های انگیزه پیشرفت، خلاقیت، ریسک پذیری و استقلال طلبی اشاره کرده است. همچنین هنسمارک (به نقل از راشیدی ۲۰۰۰) طی تحقیقی به بررسی نقش آموزش در افزایش مرکز کنترل درونی افراد پرداخت او متوجه شد که برگزاری دوره های آموزش کارآفرینی بر میزان کنترل درونی افراد تاثیر گذار است. در تحقیقی که شیرزادی (۱۳۸۵) در آن به بررسی رابطه جو سازمانی با روحیهی کارآفرینی دانش آموزان پرداخته، به این نتیجه رسیده است که فراهم آوردن فضای مناسب باعث رشد روحیهی کارآفرینی می شود، نتایج پژوهش وی نشان داد که میزان شاخص های روحیهی کارآفرینی در بین دانش آموزان بیش از حد متوسط بوده است و با رشد یک شاخص سایر شاخص های روحیهی کارآفرینی بهبود می یابد. در تحقیقی که پوستیگو^۵ (۲۰۰۲) تحت عنوان آموزش کارآفرینی در آرژانتین انجام داده است، هدف این تحقیق بررسی و ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی در کشور آرژانتین بوده که با استفاده از روش مصاحبه با دانشجویان به این نتیجه رسیده است که از نظر دانشجویان مهم ترین دوره برای آموزش کارآفرینی دوره های آموزش خلاقیت و نوآوری است، دانشجویان خلاقیت و نوآوری را موثرترین ویژگی در انجام دادن فعالیت های کارآفرینانه عنوان کرده اند. آیوشیک^۶ (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که کارآفرینی و حقوق انسانی از طریق آموزش توسعه داده می شود. همچنین در این تحقیق درباره موفقیت های دانشگاه در ترقی آموزش کارآفرینی و نیروی بالقوه برای کارآفرینی بحث شده است. آیوشیک در این مطالعه خاطرنشان شده که آموزش ضروری ترین نیاز برای مردم است برای اینکه از استعداد های بالقوه شان آگاهی یابند و با یادگیری مهارت ها برای زندگی بهتر در آینده آماده شوند. نتایج تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور در جداول ۱ و ۲ خلاصه شده است.

جدول شماره (۱): تحقیقات انجام شده در داخل کشور

ردیف	سال	محقق	نتایج
۱	۱۳۷۷	احمدپور	این تحقیق به منظور ارائه الگوی پرورش مدیران کارآفرین صورت گرفته، نتایج نشان داده که بین عوامل شخصیتی، سازمانی، جمعیت شناختی با کارآفرینی همبستگی وجود داشته است
۲	۱۳۷۹	خدمتی	نتایج نشان داده که ویژگی های کارآفرینی مثل انگیزه پیشرفت، خلاقیت، استقلال طلبی، ریسک پذیری، مرکز کنترل درونی دانش آموزان بالاتر از میانگین بوده است، همچنین این تحقیق نشان داد که زمینه پرورش کارآفرینی برای دانش آموزان فراهم نشده است
۳	۱۳۸۱	برومند نسب	نتایج نشان داده که بین انگیزه پیشرفت، مخاطره پذیری، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی رابطه معنادار وجود دارد
۴	۱۳۸۲	عزیزی	نتایج نشان داده است که بین خصوصیات مثل استقلال طلبی، خلاقیت، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت دانشجویان با میزان کارآفرینی آنها رابطه معناداری وجود دارد، همچنین این تحقیق نشان داد که زمینه پرورش کارآفرینی برای دانشجویان فراهم نشده است
۵	۱۳۸۲	هزارجریبی	در این تحقیق نشان داده شده که بین کارآفرینی و دوره های آموزش انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد
۶	۱۳۸۳	یارایی	در این تحقیق نشان داده شد که بین ویژگی های کارآفرینی دانشجویان با جنسیت، سن، محل تولد، سطح تحصیلات والدین رابطه معناداری وجود ندارد
۷	۱۳۸۴	بدری	نتایج نشان داده است که قابلیت های کارآفرینی در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت در دانشجویان بالاتر از میانگین بوده است. همچنین آموزش های دانشگاهی در پرورش ویژگی های کارآفرینی موثر نبوده است
۸	۱۳۸۴	زالی	نتایج این تحقیق نشان داد که پنج خصیصه توفیق طلبی، استقلال طلبی، ریسک پذیری، خلاقیت و عزم اراده در بین دانشجویان به میزان کمی وجود داشته است
۹	۱۳۸۵	احمدی	نتایج این تحقیق نشان داد که دانش و مهارت های کارآفرینی مورد نیاز دانشجویان شامل: ایجاد انگیزه برای شروع کسب و کار، توانایی ایجاد کسب و کار، برنامه ریزی برای توسعه کسب و کار بوده است
۱۰	۱۳۸۵	شیرزادی	نتایج این تحقیق نشان داد که شاخص های روحیهی کارآفرینی در بین دانش آموزان بیش از متوسط بوده است، همچنین با رشد یک شاخص سایر شاخص ها بهبود می یابد

جدول شماره (۲): تحقیقات انجام شده در خارج از کشور

ردیف	سال	محقق	نتایج
۱	۱۹۸۴	هیستریچ و براش	نتایج این تحقیق نشان داد که ویژگی های کارآفرینی همچون تمایل به موفقیت، جسارت، استقلال طلبی، خود مختاری و خیر خواهی در بین کارآفرینان زن و کارآفرینان مرد تفاوتی با هم نداشته است
۲	۱۹۹۸	هنسمارک	نتایج این تحقیق نشان داد که برگزاری دوره های آموزش کارآفرینی بر مرکز کنترل افراد تاثیر گذار بوده است
۳	۱۹۹۸	هیستریچ براش	این تحقیق عملکرد زنان کارآفرین را از پنج جنبه تئوریک بررسی کرده است و با بررسی عوامل موثر بر کارآفرینی زنان و عملکرد آنان مدل خود را ارائه کرده است
۴	۲۰۰۰	راشید	نتایج نشان داد که آموزش نقش زیادی در توسعه مهارت های کارآفرینی دارد، طی این تحقیق افرادی که در کلاس های آموزشی شرکت کردند نمرات بیشتری را در مهارت های کارآفرینی کسب کردند
۵	۲۰۰۰	ماسک	نتایج این تحقیق نشان داد که نیازهای آموزشی صاحبان کسب و کار در جهت طراحی دوره های آموزش کارآفرینی شامل: نحوه شروع کسب و کار - اصول حسابداری - کارآفرینی و بازاریابی می باشد
۶	۲۰۰۲	پوستیگو	نتایج نشان داد که دانشجویان خلاقیت و نوآوری را موثرترین ویژگی در انجام فعالیت های کارآفرینانه می دانند، همچنین دانشجویان دوره های خلاقیت، کارآفرینی اجتماعی، امور مالی و سرمایه گذاری را برای آموزش کارآفرینی پیشنهاد کرده اند
۷	۲۰۰۳	رایموند	از نتایج این تحقیق اینکه کارآفرینان نیازهای یادگیری خود را در زمینه کارآفرینی شامل دانش کسب و کار، مهارت های کسب و کار و مهارت های انسانی ذکر کرده اند
۸	۲۰۰۳	کراینیز	نتایج این تحقیق نشان داد که در فرانسه نسبت به ایالات متحده آمریکا دیدگاههای که نسبت به کارآفرینی و تاثیر آن وجود دارد خیلی مثبت نیست، همچنین این تحقیق دیدگاههایی در مورد عوامل موفقیت و شکست برنامه های آموزشی فراهم کرده است
۹	۲۰۰۴	هوارد	نتایج این تحقیق نشان داد که رابطه مستقیمی بین قابلیت های کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت کنترل درونی و خلاقیت) و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد
۱۰	۲۰۰۶	آبوشیک	در این تحقیق که درباره موفقیت های دانشگاه در توسعه کارآفرینی بحث شده است، نتایج نشان داده است که کارآفرینی و حقوق انسانی از طریق آموزش توسعه داده می شود

در مجموع نتایج مطالعات داخلی و خارجی نشان می دهد که کارآفرینی فرایندی اکتسابی و قابل پرورش است، که باید توجه لازم به این پدیده مبذول شود.

آموزش کارآفرینی مهم ترین تلاشی است که بستر لازم برای فراگیری دانش و مهارتهای ضروری را برای افراد علاقمند مخصوصاً دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاهی که جویای مشاغل ارضا کننده و چالش انگیز هستند فراهم می کند. این مسئولیت کلاً بر عهده دانشگاهها به ویژه دانشکده ها و گروههای علمی، تخصصی است که با توجه به مقتضیات کنونی و آتی کشور در جهت ایجاد سیستم های مطالعاتی و تدوین برنامه های آموزشی مناسب، آموزش کارآفرینی را در سطح دانشگاهها نهادینه کنند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق بررسی عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه، دانشکده های مختلف و نوع جنسیت دانشجویان در پرورش ویژگی های کارآفرینی است.

سوالات تحقیق

سوال اصلی: عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه در پرورش روحیه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان چگونه بوده است؟

سوالات فرعی

- ۱- آیا بین برنامه های آموزشی دانشکده های مختلف در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوتی وجود دارد؟
- ۲- آیا تفاوت معنی داری در میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشکده های مختلف وجود دارد؟
- ۳- آیا بین جنسیت و روحیه کارآفرینی دانشجویان ارتباط معنی داری وجود دارد؟

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی-زمینه یابی می باشد، وهمانطور یکه دلاور (۱۳۸۴) یادآوری مینماید تحقیق توصیفی به منظور توصیف یک جامعه تحقیقی در زمینه توضیح یک پدیده معین انجام می شود. به همین دلیل محقق در مورد علت وجودی توضیح بحث نمی کند بلکه تنها به چگونگی آن در جامعه مورد پژوهش می پردازد و آن را توصیف می کند. جامعه آماری این تحقیق را هم دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه به تعداد ۲۶۰۱ تشکیل دادند. برای نمونه گیری از این جامعه آماری نمونه ای با استفاده از فرمول نمونه گیری « کوکران» به حجم ۳۳۵ نفر و با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای-تصادفی به تفکیک دانشکده و جنسیت انتخاب شدند.

ابزار مورد استفاده برای جمع آوری داده های مورد نیاز پژوهش حاضر پرسشنامه می باشد. بخش اول سوالات پرسشنامه تحقیق حاضر که مربوط به بررسی عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه از دیدگاه دانشجویان است، از پژوهشی با عنوان بررسی زمینه بروز و پرورش کارآفرینی که توسط عزیز (۱۳۸۲)، در دانشگاه شهید بهشتی انجام شده بود اقتباس شده است. و در بخش دوم سوالات که مربوط به سنجش روحیه کارآفرینی دانشجویان است، از نمونه سوالات استاندارد شده ی کتاب مقیمی (۱۳۸۰) استفاده شده است. همچنین نمونه سوالات این قسمت از پرسشنامه جمشیدی (۱۳۸۵)، در دانشگاه آزاد واحد بابل که ویژگی های فردی و روانشناختی کارآفرینان را سنجیده بود اقتباس و سپس با انجام تغییراتی مورد استفاده قرار گرفت. سوالات در پنج سطح خیلی زیاد/کاملاً موافقم معادل نمره پنج (۵)، زیاد/ موافقم معادل نمره چهار (۴)، نظری ندارم / متوسط معادل نمره سه (۳)، کم / مخالفم معادل نمره دو (۲)، خیلی کم/ کاملاً مخالفم معادل نمره یک (۱)، امتیاز بندی شده است. روایی پرسشنامه به تایید اساتید و افراد صاحب نظر در زمینه کارآفرینی واقع گردید. برای سنجش پایایی، پرسشنامه بصورت آزمایشی بین ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع شد و از پاسخ دهندگان خواسته شد ضمن پاسخ به سوالات موارد نا مفهوم را با علامت مشخص کنند، پس از جمع آوری پرسشنامه ها با استفاده از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ که با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده ضریب آلفای آن ۰/۷۹ بدست آمد.

در این تحقیق اطلاعات جمع آوری شده به دو صورت توصیفی (شامل: جداول فراوانی و نمودار) و استنباطی (شامل: آزمون Anova, T-Test, Binomial) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از روش توصیفی برای سازمان دهی و خلاصه کردن اطلاعات و

بیان ویژگی های جمعیت شناختی استفاده شده و از روش استنباطی برای پاسخگویی به سوال اصلی و سوالات فرعی تحقیق استفاده گردید.

یافته های پژوهش

در این قسمت به توصیف و تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده پرداخته می شود.

الف) توصیف ویژگی های جامعه آماری

در این تحقیق، ویژگی های جمعیت شناختی (سن، جنس، وضعیت تاهل، ترتیب تولد، تحصیلات والدین، دانشکده، وضعیت اشتغال) رامی توان به شرح زیر توصیف نمود:

۱. از نظر سنی پرسشنامه های این تحقیق توسط دانشجویان سال آخر دوره کارشناسی تکمیل شده است و رده سنی آنها بین ۲۰-۲۷ بوده است و بیشترین درصد پاسخگویان (۶۳/۸ درصد) بین ۲۱-۲۲ سال قرار داشته اند. میانگین سن در بین جمعیت نمونه ۲۲/۱۹ بوده است.

۲. بر اساس داده های این تحقیق ۵۳/۷ درصد پاسخگویان زن و ۴۶/۳ درصد پاسخگویان مرد بوده اند. این تفاوت از آنجا ناشی می شود که تعداد دانشجویان دختر و پسر در جامعه آماری تحقیق یکسان نبوده است و با توجه به آمار موجود نسبت جنسی پاسخگویان مشخص شده است.

۳. پاسخگویان زن بیشتر در سنین ۲۲ سال (۳۸/۳ درصد) و ۲۱ سال (۳۷ درصد) بوده اند و همچنین پاسخگویان مرد بیشتر در سنین ۲۱ سال (۲۹/۶ درصد) و ۲۲ سال (۲۱/۸ درصد) بوده اند و ۷/۷ درصد در سنین ۲۶ و ۲۷ سال قرار داشته اند.

۴. توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل بیانگر آن است که (۹۱ درصد) پاسخگویان مجرد بوده اند و تنها ۳۰ نفر (۹ درصد) پاسخگویان مجرد بوده اند. در مجموع می توان گفت تعداد دانشجویان مجرد بسیار بیشتر از دانشجویان متأهل بوده است.

۵. یکی از متغیر های زمینه ای که در این تحقیق بررسی شده است میزان تحصیلات والدین است که داده های بدست آمده نشان می دهد بالاترین درصد سطوح تحصیلی برای پدران به ترتیب دیپلم (۲۸/۹ درصد)، لیسانس (۲۰/۰ درصد)، فوق دیپلم (۱۵/۱ درصد)، ابتدایی (۱۱/۱ درصد)، سیکل (۱۰/۵ درصد)، بی سواد (۸/۲ درصد)، فوق لیسانس و دکترا (۶/۲ درصد) بوده است. در حالیکه بالاترین سطوح تحصیلی مادران به ترتیب دیپلم (۳۵/۱ درصد)، ابتدایی (۱۹/۱ درصد)، سیکل (۱۶/۱ درصد)، بی سواد (۱۲/۴ درصد)، لیسانس (۸/۴ درصد)، فوق لیسانس و دکترا (۱/۷ درصد)، گزارش شده است.

۶. توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال به تفکیک جنسیت ۱ نشان میدهد ۱/۱ درصد پاسخگویان زن شاغل بوده اند، و ۹۸/۹ درصد آنها بیکار بوده اند. در واقع از مجموع ۱۷۸ نفر زنان پاسخگو تنها ۲ نفر آنها شاغل بوده اند. در بین پاسخگویان مرد نیز اگر چه تعداد شاغلین بیشتر از زنان شاغل بوده ولی نسبت به درصد کل، درصد بسیار کمی از پاسخگویان مرد شاغل بوده اند یعنی از مجموع ۱۵۲ نفر تنها ۱۶ نفر (۱۰/۵ درصد) شاغل بوده اند و ۸۹/۵ درصد پاسخگویان مرد بیکار بوده اند.

ب) تحلیل یافته ها

در این بخش یافته های تحقیق ارائه شده است که ابتدا سوال اصلی تحقیق و سپس سوالات فرعی تحقیق از طریق آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل واقع شدند:

عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه در پرورش روحیه کار آفرینی از دیدگاه دانشجویان چگونه بوده است؟

نظرات پاسخگویان در دو گروه مساوی یا کمتر از ۵۰ درصد عملکرد ضعیف و بیشتر از ۵۰ درصد عملکرد قوی طبقه بندی شده است و برابری میانگین دو گروه بررسی شده که نتایج بدست آمده در جدول (۲)؛ به نمایش گذاشته شده است.

جدول شماره (۲): بررسی عملکرد برنامه های آموزشی

مقوله	طبقه	فراوانی	درصد	sig
گروه اول	≤ 50	۲۴۶	۷۵/۰	/۰۰۰
گروه دوم	>50	۸۴	۲۵/۰	
جمع	—	۳۳۰	۱۰۰/۰	

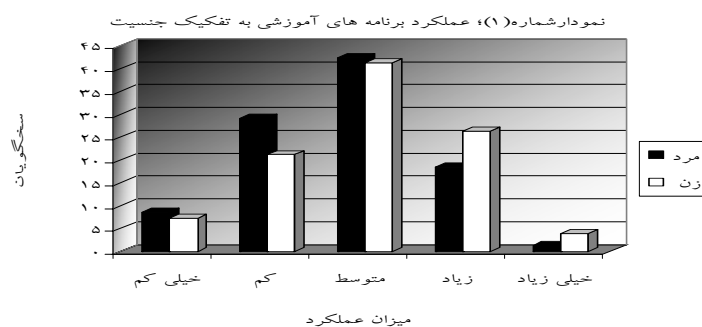
همانطور که در جدول (۲)؛ مشاهده می شود تنها ۲۵ درصد پاسخگویان اعتقاد داشته اند که برنامه های آموزشی دانشگاه کارآفرینی را در آنها به میزان زیادی پرورش داده است و ۷۵ درصد آنها عملکرد دانشگاه را در زمینه پرورش کارآفرینی ضعیف ارزیابی کرده اند. نتایج آزمون Binomial در سطح معناداری Sig =/000 از عدد ۰/۰۵ کوچکتر بوده بنابراین ادعای برابری میانگین دو گروه پذیرفته نمی شود، چون گروه اول که عملکرد برنامه های آموزشی را ضعیف ارزیابی کرده اند درصد بیشتری را به خود اختصاص داده اند. طبق نتایج جدول فوق در مجموع، عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی موفق نبوده است.

سوال اول: آیا بین برنامه های آموزشی دانشکده ها در پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوتی وجود دارد؟

آماره های استنباطی ذکر شده در جدول شماره (۳) که نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی معنی داری تفاوت میانگین عملکرد برنامه های آموزشی در دانشکده های مختلف را نشان می دهد، باید گفت با توجه به مقدار معناداری (p= /239) که از عدد ۰/۰۵ بزرگتر است نشان می دهد که تفاوت معنا داری در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی بین دانشکده ها وجود نداشته است. در حالیکه این تصور وجود داشت که حداقل در دانشکده های فنی و مهندسی ارزیابی دانشجویان از عملکرد برنامه های آموزشی در زمینه پرورش روحیه کارآفرینی مثبت تر باشد ولی نتایج جدول نشان داد که هیچکدام از برنامه های آموزشی دانشکده ها در تقویت روحیه کارآفرینی نسبت به دیگر دانشکده ها تفاوت نداشته است.

جدول شماره (۳): آزمون تفاوت میانگین عملکرد برنامه های آموزشی بر حسب دانشکده

متغیر	مقوله ها	میانگین کارآفرینی	f	sig
دانشکده	علوم انسانی	۴۲/۸۹۳۶	۱/۲۵۶	/۲۳۹
	علوم اقتصادی	۴۳/۱۶۰۰		
	علوم پایه	۴۲/۷۴۵۸		
	حقوق و علوم سیاسی	۴۳/۷۳۳۳		
	هنر و معماری	۴۲/۵۰۰۰		
	تربیت بدنی	۴۱/۴۰۰۰		
	علوم زراعی	۳۹/۵۹۲۶		
	مهندسی زراعی	۴۳/۳۰۰۰		
	علوم دامی و شیلات	۴۸/۳۶۳۶		
	منابع طبیعی	۴۳/۶۸۷۵		
	برق	۳۸/۵۹۰۹		
	عمران	۴۸/۴۵۰۰		
	مکانیک	۴۰/۰۹۰۹		
	شیمی	۴۳/۷۲۷۳		
جمع کل	۴۲/۷۴۲۴			



کارآفرینی دانشجویان دانشکده های مختلف وجود دارد؟

یافته های جدول شماره ۴ بیانگر آن است که اگر چه میانگین روحیه کارآفرینی در بین دانشکده های مختلف کمی با هم تفاوت دارند ولی تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنا دارا نمی باشد ($p= /129$)، به این معنی که دانشجویان دانشکده های مختلف در نمونه مورد مطالعه به لحاظ برخورداری از روحیه کارآفرینی تقریباً در یک سطح بوده اند.

سوال دوم: آیا تفاوت معناداری در میزان روحیه ی دانشجویان دانشکده های مختلف وجود دارد؟

یافته های جدول شماره ۴ بیانگر آن است که اگر چه میانگین روحیه کارآفرینی در بین دانشکده های مختلف کمی با هم تفاوت دارند ولی تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنا دارا نمی باشد ($p= /129$)، به این معنی که دانشجویان دانشکده های مختلف در نمونه مورد مطالعه به لحاظ برخورداری از روحیه کارآفرینی تقریباً در یک سطح بوده اند.

جدول شماره (۴)؛ آزمون تفاوت میانگین روحیه کارآفرینی بر حسب دانشکده

متغیر	مقوله ها	میانگین روحیه کارآفرینی	f	sig
دانشکده	علوم انسانی	۵۳/۷۱۷۴	۱/۴۶۶	/۱۲۹
	علوم اقتصادی	۵۵/۷۱۴۳		
	علوم پایه	۵۴/۱۵۲۵		
	حقوق و علوم سیاسی	۵۵/۰۶۶۷		
	هنر و معماری	۵۷/۰۰۰۰		
	تربیت بدنی	۵۲/۸۰۰۰		
	علوم زراعی	۵۳/۵۱۸۵		
	مهندسی زراعی	۵۷/۶۰۰۰		
	علوم دامی و شیلات	۵۵/۱۶۶۷		
	منابع طبیعی	۵۳/۶۲۵۰		
	برق	۵۴/۵۷۱۴		
	عمران	۵۸/۹۰۰۰		
	مکانیک	۵۶/۲۶۰۹		
	مهندسی شیمی	۵۹/۱۸۸۲		
جمع کل	۵۵/۱۲۷۷			

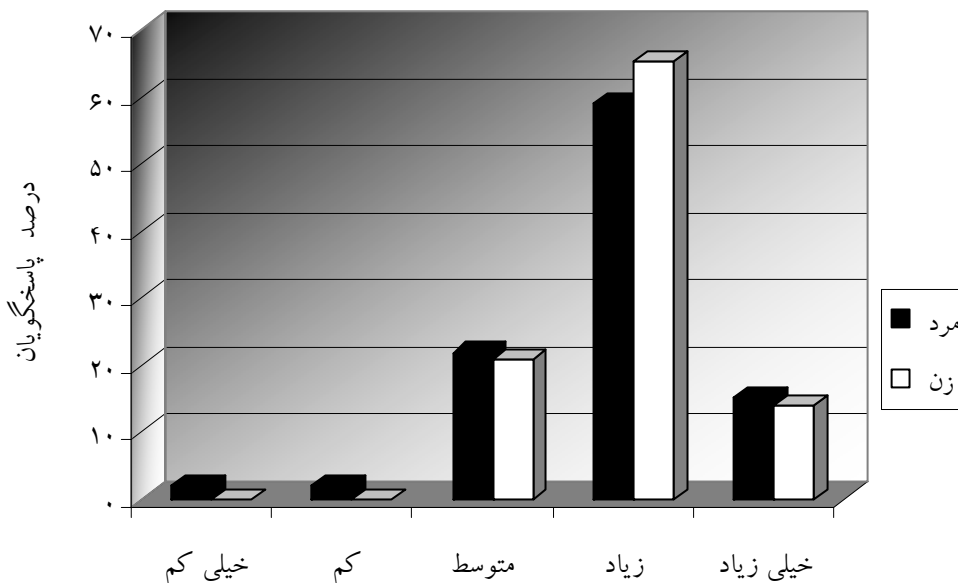
سوال سوم: آیا بین جنسیت و روحیه‌ی کارآفرینی افراد ارتباط معناداری وجود دارد؟

همان طور که با استناد به مقدارتی محاسبه شده ($t=543$) و سطح معناداری آن ($p=588$) در جدول شماره (۵) ملاحظه می شود که بین جنسیت و روحیه‌ی کارآفرینی افراد تفاوت معناداری وجود ندارد. زیرا همچنان که در جدول نیز نشان داده شده مقدار تی محاسبه شده آن از عدد $1/98$ کوچکتر و سطح معناداری آن از عدد 0.5 بزرگتر می باشد، همانطور که ملاحظه می شود میانگین کارآفرینی در بین پاسخگویان مرد ($54/88$) و در بین پاسخگویان زن ($55/33$) بوده است که میانگین بدست آمده بسیار به هم نزدیک است و پاسخگویان زن و پاسخگویان مرد به لحاظ برخورداری از روحیه‌ی کارآفرینی در یک سطح بوده اند.

جدول شماره (۵): آزمون تفاوت میانگین روحیه‌ی کارآفرینی بر حسب جنسیت

متغیر	مقوله ها	میانگین روحیه کارآفرینی	T	Sig
جنسیت	زن	۵۵/۳۳۱۵	/۵۴۳	/۵۸۸
	مرد	۵۴/۸۸۴۷		

نمودار شماره (۲): میزان روحیه کارآفرینی به تفکیک جنسیت



میزان روحیه‌ی کارآفرینی

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحقیق نشان داده است که عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه مازندران در پرورش روحیه‌ی کارآفرینی ضعیف بوده است و ۷۵ درصد دانشجویان عملکرد برنامه های آموزشی دانشگاه را ضعیف ارزیابی کرده اند. در مجموع می توان گفت رضایت دانشجویان از عملکرد برنامه های آموزشی کم بوده است. و تنها ۲۵ درصد کل دانشجویان مورد مطالعه اعتقاد داشته اند که برنامه های آموزشی دانشگاه روحیه کارآفرینی را به میزان زیادی در آنها پرورش داده است. اگر چه مهم ترین ویژگیهای کارآفرینی (خلاقیت،

استقلال طلبی، ریسک پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی) در دانشجویان بصورت بالقوه وجود داشته است، اما توانایی ها و مهارت هایی مورد نیاز است، که می بایست در فراگیران پرورش داده شود. بنابراین لازم است برنامه ریزان و تصمیم گیرندگان دانشگاهی با توجه به اهمیت کارآفرینی در دنیای امروز به این نکته توجه داشته باشند و تقویت ویژگی های کارآفرینی را در تمام سطوح دانشگاهی جزء برنامه های آموزشی برای دانشجویان قرار دهند. نتایج حاصل از سوال اصلی تحقیق با نتایج تحقیقات عزیزی (۱۳۸۲)، بدری (۱۳۸۴) و شیرزادی (۱۳۸۵) همخوان بوده است.

علاوه بر این نتیجه تحقیق نشان می دهد که بین عملکرد چهارده دانشکده مورد مطالعه هیچکدام از دانشکده ها در پرورش روحیه-ی کارآفرینی نسبت به دیگر دانشکده ها عملکرد بهتر یا بدتری نداشته اند و تفاوت معناداری در زمینه پرورش روحیه ی کارآفرینی بین دانشکده ها وجود نداشته است و اندک تفاوت دیده شده از لحاظ آماری معنادار نمی باشد. بر خلاف تصور ظاهری که چنین به نظر می رسید در دانشکده های فنی، مهندسی به دلیل اینکه واحد های عملی بیشتری می گذرانند عملکرد برنامه های آموزشی در تقویت روحیه ی کارآفرینی بهتر از سایر دانشکده ها باشد ولی نتایج آزمون تحلیل واریانس در ارتباط با مقایسه میانگین ها در دانشکده های مختلف بیانگر آن است که رشته تحصیلی متغیر تاثیرگذاری در پرورش روحیه ی کارآفرینی نمی باشد. در مجموع برنامه های آموزشی هیچ یک از دانشکده ها در پرورش روحیه ی کارآفرینی موفق عمل نکرده است. نتایج حاصل از این سوال با نتایج تحقیقات عزیزی (۱۳۸۲) و بدری (۱۳۸۴) همخوان بوده است.

با استناد به آماره های استنباطی مندرج در جدول (۳) که نتایج آزمون تحلیل واریانس تفاوت معناداری میانگین روحیه ی کارآفرینی دانشجویان دانشکده های مختلف را نشان می دهد، مشاهده می شود که مقدار معناداری ($p=129$) از عدد 0.5 بزرگتر است به این معنی که بین روحیه ی کارآفرینی دانشجویان در چهارده دانشکده دانشگاه مازندران تفاوت معناداری وجود ندارد و با توجه به نمودار (۲) متوجه می شویم که روحیه ی کارآفرینی دانشجویان بالا بوده است. نتایج بدست آمده از این پژوهش در خصوص میزان روحیه ی کارآفرینی دانشجویان با نتایج تحقیق زالی (۱۳۸۴) نا همخوان بوده است این تفاوت شاید ناشی از شرایط و ویژگی های خاص پاسخ دهندگان، شرایط متفاوت زمانی و تغییرات اجتماعی باشد.

سرانجام این که می توان گفت که دانشجویان زن و دانشجویان مرد به لحاظ برخورداری از روحیه ی کارآفرینی تقریباً در یک سطح بوده اند و اندک تفاوت دیده شده نیز احتمالاً ناشی از اشتباهات نمونه گیری و غیره می باشد، و در مجموع با استناد به جدول (۵) و نمودار مربوط به آن متوجه می شویم هم دانشجویان زن و هم دانشجویان مرد از روحیه ی کارآفرینی بالایی برخوردار بوده اند. دلایل احتمالی بالا بودن روحیه ی کارآفرینی در بین دانشجویان را می توان مواردی مثل برخورداری از تحصیلات عالی، شرایط محیطی، تجربه زندگی در خوابگاه، ارتباط با جامعه دانشگاهی، شرایط سنی و موقعیت جوانی عنوان کرد. یافته های پژوهش با نتایج تحقیقات عزیزی (۱۳۸۲)، یارایی (۱۳۸۳) تی پترین (۱۳۸۱) و هیستریچ و براش (۱۹۸۴) همخوان بوده است.

به عنوان نتیجه گیری کلی از این تحقیق با توجه تجزیه و تحلیل های بدست آمده از نظرات دانشجویان می توان گفت برنامه های آموزشی موجود در آموزش عالی در جهت پرورش ویژگی های کارآفرینی دانشجویان تدوین نشده است. این برنامه های مبتنی بر تفکر همگرا و متکی بر محفوظات صرف و دروس نظری که بدون توجه به پرورش مهارت های کارآفرینی می باشند، موجب ایجاد روحیه ی مدرک گرایی و نبود روحیه ی پژوهشگری در دانش آموختگان شده است.

امروزه از دانشگاه و فارغ التحصیلان آن انتظار می رود که بتوانند دانش خود را به کسب و کار تبدیل کنند تا از این طریق علاوه بر تأمین منابع مالی خود باعث رشد و پیشرفت اقتصاد جامعه گردند. با نگاهی به کارکردهای دانشگاههای ایران متوجه می شویم که خیلی کمتر به مشکلات جامعه توجه دارند و یا برنامه ریزی هایشان را متناسب با نیازهای جامعه در نظر نمی گیرند، چرا که همانگونه که شاهد هستیم هر ساله وزارت علوم بدون توجه به نیاز بازار کار تعداد زیادی دانشجو جذب دانشگاهها می کند، اکثر دروس بصورت نظری ارائه می شوند و تلاش جدی برای کاربردی کردن آنها صورت نگرفته است، به خاطر کاربردی نبودن دروس دانشگاهی دانش آموختگان آمادگی برای کار ندارند، از طرفی شغل های موجود ظرفیت پاسخگویی به خیل عظیم فارغ التحصیلان را ندارد، عدم توازن شغل و نیروی انسانی جامعه را با چالشی عظیم روبرو ساخته است. بنابراین نقش حیاتی کارآفرینی و قدرت آن در ایجاد تحولات اقتصادی در ساختار جامعه موضوعی است که باید مورد توجه صاحب نظران و متخصصان به منظور راهکارهایی برای حل مشکلات موجود در نظر گرفته شود، یکی از مهم ترین راهکارهای توسعه کارآفرینی در میان دانشجویان ارتقاء رفتار کارآفرینانه افراد از طریق ترویج، آموزش، حمایت و شناخت مستعدان کارآفرینی می باشد.

برنامه های آموزشی دانشگاه برای پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان باید با فراهم کردن اهداف چالش برانگیز برای دانشجویان مسولیت پذیری و سعی و تلاش او را برای رسیدن به هدف افزایش دهند، با توجه به اهمیت شاخص انگیزه پیشرفت و مرکز کنترل درونی باید به تغییر شیوه های تدریس و روش های ارزشیابی پرداخت و به فعالیت دانشجویان ارزش و بهای بیشتری داده شود، همچنین راه اندازی و پشتیبانی هسته های کارآفرینی در دانشکده ها، برگزاری دوره ها و کارگاههای ترویجی و توجیهی برای استادان و دانشجویان بطور منظم، معرفی چهره های موفق کارآفرینی در رشته های مختلف تحصیلی از مواردی است که می تواند ساختار فکری یک دانشکده و در نهایت یک دانشگاه را تغییر دهد. بهترین افرادی که می توانند نقش مهمی را در فعالیت های آموزشی و ترویجی کارآفرینی ایفا کنند اساتید هستند. به نظر می رسد اساتید می توانند از طریق ترغیب افراد به انجام کار در استانداردهای عالی انگیزه پیشرفت را در دانشجویان ایجاد کرده و با تفویض اختیار و اعطای آزادی عمل به آنها مسولیت پذیری و استقلال طلبی دانشجویان را تقویت کنند، همچنین اساتید می توانند از طریق ایجاد برنامه های استراتژیک نیروی دوراندیشی و آینده نگری دانشجویان را بالا ببرند. بطور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که مهم ترین ویژگی های رفتاری کارآفرینان بصورت بالقوه در دانشجویان وجود دارد ولی توانایی و مهارت مورد نیاز کارآفرینی به آنان آموخته نمی شود، برای کارآفرین شدن علاوه بر زمینه های شخصیتی نیاز به توانایی ها و مهارت هایی نیز هست که می بایستی در فراگیران پرورش داده شود، آموزش عالی ما باید به این سو هدایت شود که افرادی که فارغ التحصیل می شوند ویژگی های کارآفرین را داشته باشند، دانشجویانی که موفقیت طلب باشند، مخاطرات معقول را بپذیرند، و ایجاد یک کسب و کار شخصی بخشی از نقشه آنها برای آینده باشد. در حال حاضر بطور متوسط سالانه هزاران فارغ التحصیل بیکار وجود دارد که می توان آنها را با یکسری آموزش های تخصصی کوتاه مدت نوعی تخصص برایشان ایجاد کرد. بر پایه نتایج این تحقیق آموزش عالی بطور جدی نیازمند برنامه ای سازمان یافته و دقیق برای بهبود عملکرد خود در تقویت روحیه کارآفرینی دانشجویان می باشد.

پیشنهاد های تحقیق

در پایان پیشنهاد پژوهشی این تحقیق این است که تحلیل محتوایی از کتاب های درسی در رشته های مختلف آموزش عالی از حیث توجه به موضوع کارآفرینی در برنامه های آموزشی انجام شود. علاوه بر این پیشنهادات اجرایی این تحقیق به شرح زیر می باشد:

۱- این پژوهش نشان داد که توانایی و مهارتهای کارآفرینی در دانشجویان پرورش داده نمی شود، پس باید در این زمینه اصلاحات لازم در برنامه های درسی دانشگاه انجام شود. مثلا کارآفرینی به عنوان واحد اجباری (نه فقط به صورت تئوری) در برنامه های درسی گنجانده شود.

۲- پیشنهاد می گردد جهت آشنایی بیشتر اساتید با فرایند کارآفرینی و شیوه های پرورش افراد کارآفرین و خلاق کارگاههای آموزشی برگزار گردد.

۳- همچنین تحقیق حاضر نشان داد که درصد اندکی از دانشجویان شاغل هستند، همانطور که می دانیم تجربه شغلی نقش مهمی را در کارآفرینی ایفاء می کند لذا جهت ایجاد پل ارتباطی بین مطالب علمی با دنیای واقعی لازم است که اهداف دانشگاهی بر حسب نیازهای جامعه و صنعت تعیین گردد که در نتیجه این امر رابطه بین دانشگاه و صنعت نزدیکتر شده و دانشجویان در حین تحصیل تجربه عملی نیز کسب می کنند.

۵- در برنامه درسی هر رشته افراد موفق آن رشته که کسب و کاری را برای خود ایجاد کرده اند برای دانشجویان آن رشته بصورت مطالعه موردی معرفی و مورد بررسی قرار گیرد و از نظرات و تجربیات آنان استفاده شود تا دانشجویان بدانند که افراد موفق هم رشته آنها چگونه در کسب و کارشان موفق شده اند.

۶- از آنجا که کارآفرینی علمی است که به نیازهای جامعه در شرایط در حال تغییر می تواند پاسخ دهد یعنی آنکه کارآفرینی دانشی پژوهش مدار است و تحقیق حاضر نشان داد که اهداف دانشگاه بیشتر انتقال دانش است یعنی به جای آنکه دانشگاه با تحقیق در جامعه به نیازهای آن جواب دهد فقط یکسری اطلاعات در اختیار دانشجویان قرار می دهد به همین خاطر پیشنهاد می شود در وظایف دانشگاه تجدید نظر شود و با پژوهش بر روی جامعه به نیازهای جامعه پاسخ داده شود.

یادداشت ها

1- Hisrich
4-Rasheed

2- Vebster
5- Postigo

3- Ussman
6- Kaushik

منابع

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۷۹). کارآفرینی، تعاریف، نظریات، الگوها، تهران: شرکت پردیس.
- احمدپور داریانی، محمود و رضاییان (۱۳۷۷). سیر تکامل کارآفرینی، مفهوم، دیدگاهها، فرایند و آموزش. نشریه مدرس. شماره ۶۰: ۱۴۰-۱۲۳.
- احمدی، محمد (۱۳۸۵). نیاز سنجی آموزش کارآفرینی در دانشجویان دوره کارشناسی رشته برق دانشکده فنی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.
- بدری، احسان (۱۳۸۴). بررسی قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان
- برومند نسب، محمد (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده و چندگانه وضعیت اجتماعی-اقتصادی، انگیزه پیشرفت، مخاطره پذیری، جایگاه مهارت خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- خدمتی توسل، صادق (۱۳۷۹). بررسی زمینه های بروز پرورش کارآفرینی در دبیرستانهای پسرانه دولتی کارو دانش شهرستان کرج از نظر مدیران، دبیران، و دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- دلاور، علی (۱۳۸۴). احتمالات و آمار کاربردی در روان شناسی و علوم تربیتی تهران. انتشارات رشد.
- دهقانپور فراشا، علی (۱۳۸۱). کارآفرینی و کارآفرینان، تعاریف و ویژگیها، فصلنامه صنایع شماره ۳۳: ۲۴-۱۲.
- زالی، محمدرضا (۱۳۸۴). بررسی مشخصه های کارآفرینی دانشجویان، بابلرس، دانشگاه مازندران.
- سالازار، میلوتو (۱۳۸۳). مقدمه ای بر کارآفرینی ترجمه سیامک نطاق، سازمان ملی بهره وری ایران.
- شیرزادی اصفهانی، هما (۱۳۸۵). بررسی رابطه جو سازمانی با رو حیهی کارآفرینی در دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا.
- شیرزادی اصفهانی، هما (۱۳۸۵). بررسی رابطه جو سازمانی با رو حیهی کارآفرینی در دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا.
- عابدی، رحیم (۱۳۸۱). مروری بر مکاتب فکری کارآفرینی، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان ویننامه اقتصاد و مدیریت: ۱۷۲-۱۵۵.
- عزیزی، محمد (۱۳۸۲). بررسی زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- گلرد، پروانه (۱۳۸۴). عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی زنان ایرانی. پژوهش، زنان، شماره ۱: ۱۲۳-۱۰۱.
- مقیم، سید محمد (۱۳۸۰) سازمان و مدیریت: رویکرد پژوهشی، تهران، انتشارات ترمه.
- هزار جریبی، جعفر (۱۳۸۲). بررسی میزان کارآفرینی دانش آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی-اجتماعی شهر تهران، رساله دکتری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- هزار جریبی، جعفر (۱۳۸۴). توسعه کارآفرینی و دانش آموختگان» فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۰: ۱۷۶-۱۵۹.
- یارایی، علی (۱۳۸۲). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه شیراز.

Elias G. Carayannis, Dan Evans, Mike Hanson.(2003) Outline of key Concepts and Lessons Learned from a Comparative study of Entrepreneurship students in France and the U.S. Technovation 23 p 257-771.

Hisrich R.D. Peters. M.P. (1998), The individual Entrepreneur in Entrepreneurship. Mc Grow- Hill.

Musk, G. (2000). The Educational needs of small business owners. Alookin to the future. Journal of Extension No. 38 p 48-60.

Howard, S.(2004) Developing Entrepreneurial Potential in youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation, University of South Florida Report , PP 3-17.

Postigo, S. (2002) Entrepreneurship Education in Argentina the case of San Anders University. In Proceedings of the Conference Entitled the Internationalizing in Entrepreneurship Education and training.

Rasheed , H.S.(2000). Developing Entrepreneurial Potential in youth” the effect of Entrepreneurial Education and venture creation, Available at: WWW.coba.usf.edu/Departments/Management/Faculty/rasheed/Youth Entrepreneurship.

Raymond, W. S.(2003) The learning need of high Potential Entrepreneur in Latin American. Presented at the international conference on entrepreneurship in Latin American Weinde Lamar, Chip October p 26- 28.

Shan, S. Locke ,E & Collin ,C.(2003) Entrepreneurial motivation .Human resource management Review . Vol,13 pp 257-279.

- Surendra K. Kaushik, Shorav Kaushik, Shobha Kaushik. (2006) How higher Education in rural India helps human rights and Entrepreneurship .Journal of Asian Economics. No.17 p 29- 34.
- Surendra K. Kaushik, Shorav Kaushik, Shobha Kaushik. (2006) “How higher Education in rural India helps human rights and Entrepreneurship Journal of Asian Economics. No.17 p 29- 34.
- Ussman Anamaria (1998) University and Entrepreneurship Development International. Conference Budapest Hungary .July p 13-15.
- Vesper, K. (1996) Research on education for Entrepreneurship. Paper presented at the Conference on Research and education in entrepreneurship. Baylor University.
-

Archive of SID